

پیش‌خوان

«اندیشه سیاسی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای»

در آیینه یک اثر نو انتشار

سیاست‌ورزی از منظر سلسله جنیان نظام اسلامی

■ **محمدرضا کائینی**



است. این پژوهش از سوی سجاد رستمی‌پور انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن اهتمام ورزیده است. تارنمای ناشر در یادداشتی، در باب محتوای این تحقیق و فصول گوناگون آن اشاره است:

«ترتیب فصول مختلف کتاب را براساس این مراحل می‌توان توضیح داد: فصول اولیه به مبانی می‌پردازد و در بیان آنها، به تبیین‌های خاص در مورد مسائل اصلی اندیشه پرداخته شده است. فصول میانی راجع به ساختار یا وجه ایستایی سیاست مشتمل بر ولایت، نظام سیاسی و مردم‌سالاری است. فصول پایانی کتاب راجع به مرحله حرکت یا وجه پویای سیاست، شامل آزادی یا نیروی حرکت و سیاست نه‌نهایت‌نظریه پیشرفت‌است. کتاب مذکور، در ۹ فصل تنظیم شده است. در فصل اول نویسنده تلاش کرده با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون مبانی جهان‌شناسی، اصول جهان‌شناسی و دین‌شناسی، مبانی نظری اندیشه سیاسی را مورد واکاوی قرار دهد. فصل دوم کتاب حاضر، مبانی انسان‌شناسی را با تأکید بر چیستی هویت انسانی، کمال و سعادت انسانی و ساختمان وجود و اراده انسانی مورد کنکاش قرار داده است. در فصل سوم کتاب هم، مفاهیم سیاست، قدرت و حکومت‌بار تعریف می‌شود. فصل چهارم، مبانی جامعه‌شناسی قدرت در اندیشه مقام معظم رهبری را بررسی کند. در



۲۱ خرداد ۱۴۰۲

بخشی از این فصل می‌خوانیم: از نظر امام خامنه‌ای، جامعه، اجتماع بشری به مفهوم سیاسی‌اش عبارت است از عده‌ای از مردم که با قوایین و مقررات خاصی زندگی می‌کنند و از یک قدرت فرماندهی مرکزی اطاعت و به سمت هدف‌های خودشان با هدایت این قدرت فرماندهی حرکت و با دشمنان مجموعه خودشان مبارزه می‌کنند... چیستی جامعه، نسبی دولت و جامعه، مسئله فرد و جامعه، ساختار جامعه و فن‌هنگ و جامعه، از جمله مباحث طرح شده در این فصل است. در فصل پنجم کتاب، نویسنده سعی کرده است با توضیح ساخت مردمی حکومت، به تبیین هسته اصلی جریان سیاست بپردازد و موضوع محوری فصل ششم، مفهوم ولایت‌فقیه است. این فصل مؤلفه‌های ولایت فقیه که محوری‌ترین بحث در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری است را مورد بررسی قرار می‌دهد. کلیت اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی را می‌توان با عنوان نظام ولایت تفسیر و تعبیر کرد. نظام ولایت در این مقام، به معنای یک نظام صرفاً اجتماعی نیست، بلکه گویای یک نظام مفاهیم است. براساس مندرجات این فصل، ولایت در اندیشه توحیدی آیت‌الله العظمی امام‌خامنه‌ای، رابطه انسان و خدای متعال را در وجه ولایت الهی پر رنگ‌تر می‌کند، در واقع دیگر وجه توحید نیز با منظر ولایت فهم می‌شود. فصل هفتم کتاب با عنوان نسبت مسئولیت و آزادی در نظام ولایت، دارای مباحثی چون آزادی سیاسی، دیدگاه‌ها در مورد آزادی، تعریف آزادی، آزادی مستلزم قدرت، تحدید آزادی، تحدید قدرت و نسبت ایجابی مسئولیت و آزادی است. فصل هشتم به‌نظر به پیشرفت اختصاص دارد. چیستی و الگوی پیشرفت، چیستی الگو و نحوه تدوین آن و نیز توجه به ویژگی ایرانی بودن در تدوین الگو از مهم‌ترین مباحث این فصل است. فصل نهم و پایانی نیز با واکاوی و تحلیل جغرافیایی، جغرافیای قدرت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا بتواند به مفهوم جغرافیای قدرت از نظر مقام معظم رهبری نزدیک شود...»

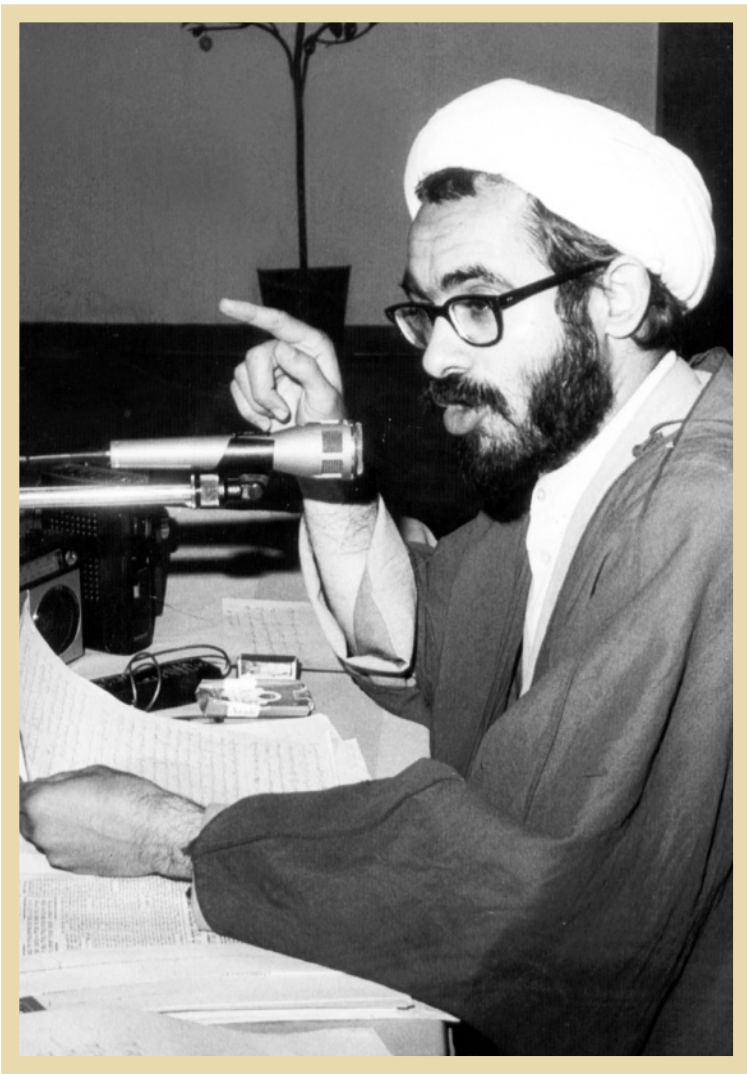
■ **احمدرضا صدری**

در هفتم تیرماه هر سال، جهادگر خستگی‌ناپذیر شهید حجت‌الاسلام والمسلمین محمد منتظری، دومین شخصیتی است که پس از شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی، در حافظه تاریخی انقلابیون زنده می‌شود. اینک و در چهل و دومین سالگرد شهادت آن بزرگ، رویکرد وی در حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های آزادی‌بخش، با استناد به روایات دوستانش بررسی و تحلیل شده است. امید آنکه مفید آید. ■ ■ ■

■ **در کیستی پدر نهضت‌های آزادی‌بخش**
در آغاز مقال، مناسب است که به پیشینه نظری و عملی شهید محمد منتظری، نظری بیفکنیم و شمایلی از تلاش و تکاپوی وی را در عمر کوتاهش مرور کنیم. این امر موجب خواهد شد تا بخش‌های مختلف مقاله را به‌راستی و به‌مقصد درک کنیم. در این باره آمده است:

«حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی منتظری، فرزند آیت الله حسینعلی منتظری-س. ۱۳۳۳ش در شهر نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را تا مقطع سطح و کمی از خارج را در محضر پدر خویش فراگرفت و سپس به حوزه علمیه قم رفت و از محضر استادان چون:حضرت امام‌خمینی، آیت‌الله داماد، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جنتی و... بهره برد و به تحصیل علوم اسلامی ادامه داد. محمدمنتظری با آغاز نهضت امام خمینی، در سن ۱۸ سالگی وارد صحنه مبارزه علیه رژیم ضددین پهلوی شد. وی درباره شروع فعالیت‌های مبارزاتی چنین می‌گوید: در اولین سال مبارزه از نوشتن اعلامیه‌ها شروع کردم، بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افرادی برای مبارزه پرداختم... در جریان قیام ۱۵ خرداد با دستگاه کپی دست‌ساز، اعلامیه‌های ضدحکومتی را تکثیر و با وجود محدودیت‌های شدید امنیتی آنها

برای شهید منتظری که آرمانی چون رهایی همه مظلومان جهان را تعقیب می‌کرد، شناخت پشتوانه‌های نظری و راهکارهای تحقق این هدف، اهمیتی فراوان داشت. او برای ایجاد ارتباط میان هسته‌های مقاومت در ایران و سراسر جهان از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کرد که به مرور زمان ار تقاء می‌یافت و به روز می‌شد. محمد در نهایت، به یکی از عناصر خیره در این باره مبدل گشت



برای شهید محمد منتظری

که «پدر نهضت‌های آزادیبخش» لقب داشت

دشمنی او با صهیونیسم حد و اندازه نداشت

را توزیع می‌کرد. در بهمن ۱۳۴۴ به علت امضای ذیل اعلامیه سومین سالروز مدرسه فیضیه قم، دستگیر و تحت کنترل قرار گرفت. از سال ۱۳۴۵ به بعد، ساواک محمد منتظری را به عنوان یک انقلابی خطرناک می‌شمرد. در سال‌های بین ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰، وی در درس‌های حکومت و اقتصاد اسلامی را به هر طری جوان می‌آموخت. وی تا پیروزی انقلاب اسلامی، بارها دستگیر، زندانی و شکنجه شد. شهید منتظری از معدود انقلابیونی بود که نسبت به فعالیت‌های مبارزاتی خود، نگاه فراملی و فرامرزی داشت. همین اندیشه بود که او را واداشت تا بخشی از توان خود را صرف سازماندهی جنبش‌های آزادیبخش جهان کند. وی با سفر به کشورهای لبنان، سوریه، افغانستان، پاکستان، لیبی و کشورهای اروپایی چون انگلستان، فرانسه و کشورهای حوزه خلیج فارس و برقراری تماس با رهبران و اعضای نهضت، جهت ایجاد یک نهضت جهانی تلاش می‌کرد. حجت‌الاسلام محمد منتظری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مبارزات خود را در سنگر جدید آغاز کرد. وی در طی این سال‌ها با تلاش پیکیر برای افشاکری توطئه‌های غرب گداشته شد. علاوه بر این مدتی نیز به نمایندگی از امام، در هیئت بررسی شایعه شکنجه - که از طرف منافقین و لیبرال‌ها منتشر می‌شد- مشغول کار شد. شهید منتظری در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی، با کسب ۹۷ درصد از مردم نجف‌آباد، در مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی سرانجام در شامگاه هفتم تیر ۱۳۶۰ در واقعه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران، به شهادت رسید. پیکرش پس از تشییع پرشکوه، در حرم حضرت معصومه(س) در قم به خاک سپرده شد...»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷۷

شهید محمد منتظری در حال ایراد سخنرانی ۱۳۵۸.

محمد بی‌خیال در خانه یکی از دوستانش داشت استراحت می‌کرد و وقتی ساعت ۹ شب از خواب بیدار شد، یاسر عرفات به مدرسه علوی رفته بودا فروتنسی و تواضع، یکی از ویژگی‌های برجسته او بود. فوق‌العاده خستگی‌ناپذیر و پسر کار بود و هرگز کسی او را خسته، کسل، افسرده و مایوس نمی‌دید، در حالی که برای همه اینها دلایل کافی داشت. معنی شکست و توقف را در زندگی نمی‌دانست و برای رسیدن به هدف، لحظه‌ای دست از تلاش بر نمی‌داشت. محمد منتظری با طیف وسیعی از نهضت‌های آزادیبخش از قلیبیین و اریتره گرفته تا فلسطین ار تباط داشت و در حد توان، به همه آنها کمک می‌کرد. دشمنی او با صهیونیسم هم حد و اندازه نداشت. او اکثر مقاله‌های مجله شهید و روزنامه پیام شهید را - که در اوایل انقلاب منتشر می‌کرد - به موضوع صهیونیسم و اسرائیل اختصاص می‌داد. بی‌جهت نبود که امریکا او را دشمن خود می‌دانست و در صدد نابودی‌اش برآمد. پس از پیروزی انقلاب، یاسر عرفات و جلود (نماینده قذافی) را به ایران دعوت کرد و جلود در قم به حضور امام‌خمینی رسید. اینها بخشی از توجهات او به نهضت‌های آزادیبخش بود...»

■ **او جنبش‌های آزادیبخش جهان را به یکدیگر مرتبط ساخت**

برای مبارزی چون شهید محمد منتظری که آرمانی چون رهایی همه مظلومان جهان را تعقیب می‌کرد، شناخت پشتوانه‌های نظری و راهکارهای تحقق این هدف، اهمیتی فراوان داشت. او برای ایجاد از تباط میان هسته‌های مقاومت در ایران و سراسر جهان، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کرد که به مرور زمان ار تقاء می‌یافت و به روز می‌شد. محمد در نهایت، به یکی از عناصر خیره در این‌باره مبدل گشت. زنده‌یاد دکتر ابراهیم اسرافیلیان از دوستان قدیمی شهید، در باب این راهکارها و شیوه‌ها چنین روایت کرده است:

«رویکرد او در حمایت از نهضت‌های آزادیبخش، ریشه در تفکر و اقداماتش در دوران مبارزه داشت،

منتها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بروز و ظهور بیشتری پیدا کرد. او از هر طریقی که می‌توانست، به جنبش‌های رهایی‌بخش کمک می‌کرد، اما کمک‌هایش غالباً جنبه فکری و تاکتیکی داشت. مثلاً در دوران مبارزات، یکی از کارهایش این بود برای کسانی که دیگر امکان ماندنشان در کشور نبود، گذرنامه درست می‌کرد و آنها را فراری می‌دادا به قدری هم باهوش بود که در همان برخورد اول، می‌توانست تقریباً قاطعانه بگوید که طرف مقابل قابل اعتماد است یا نه! او در جاهای مختلف مثل گمرک، فرودگاه و... آدم‌های مؤمن

و مخلص را پیدا می‌کرد و از طریق آنها، مبارزان را فراری می‌داد. در خارج از کشور هم کسانی بودند که ناچار می‌شدند گذرنامه‌هایشان را عوض کنند و او برایشان گذرنامه عربی درست می‌کرد. یکی از کارهای مهم محمد در مورد جنبش‌های آزادیبخش این بود که اعضای آنها یکدیگر را بشناسند و بتوانند به موقع به هم کمک کنند. او خیلی از این جنبش‌ها را به هم مرتبط کرد. می‌گفت دشمن اصلی همه ما امریکاست که در تمام نقاط جهان مشغول غارت و جنگ‌افروزی است و برای مبارزه با او نباید در خانه بنشینیم و بی‌توجهی تو به سراغ ما بیار، بلکه در تمام دنیا باید با او جنگید و او را مشغول کرد، تا فرصت پیدا نکند علیه ما توطئه کند. این هم از آینه‌نگری او بود

این‌باره معتقد است: «شهید محمد منتظری بسیار کم‌حرف بود و هیچ وقت از سوی مسئولان کشور تعقیب شد و همچنان هم ادامه دارد. محمد در راه هدفش که اعتدالی اسلام و اتحاد بین مسلمانان علیه امرپالیسیم بود، از همه چیز خود گذشت. این فرد برای خودش، هیچ چیز نمی‌خواست. او نه به دنبال پول، قدرت و منصب بود و نه چیزهایی که برای دیگران جاذبه دارد، در نگاه او پیش‌وی ارزش نداشت. او واقعا به محرومان می‌اندیشید و برای بهبود وضعیت آنها تلاش می‌کرد. نگاهی انترناسیونالیستی داشت و معتقد بود برای مبارزه با امرپالیسیم، باید همه مردم مستضعف و اعتلای مسلمین بود. به همین دلیل هم برای پیشبرد اهداف نهضت‌های آزادیبخش، هم کاری که از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد. موقعی هم که از دنیا رفت، هیچ چیزی از خودش باقی نگذاشت و مال و مکتبی نداشت. جز به خدا و خلق خدا فکر نمی‌کرد و خواب، خوراک و استراحتش را فدای کار کرده بود. بسیار فروتن بود و هیچ‌وقت نمی‌خواست خودش را مطرح کند یا پست و مقامی بگیرد. پام نامه او و نشریات خویش به تبیین این رویکرد می‌پرداخت و آن را نمادی از انسان‌گرایی اسلامی می‌دانست و دیگران را نیز به پیگیری آن فرودگاه به استقبال او رفته بودند و سعی می‌کردند با او عکس بگیرند و همراهش به مدرسه علوی بروند،

■ **امریکا او را دشمن خود می‌دانست و در صدد نابودی‌اش بر آمد**

همانگونه که در بخش پیشین اشارت رفت، شهید محمد منتظری از آغاز ورود به عرصه مبارزه، نگره‌ای وسیع داشت و آزادی تمامی مسلمانان و مردمان تحت استعمار جهان را وجهه همت خویش قرار داده بود. همین امر نیز موجب گشت که در سالیان نهضت اسلامی و در داخل و خارج از کشور، نخبگان مسلمان را در کشورهای گوناگون شناسایی و با آنان هم‌افزایی فکری و مبارزاتی ایجاد کند. این شبکه بعدها، فراوان به کار انقلاب و نظام اسلامی آمد. زنده‌یاد سیف‌الله وحید دستجردی از یاران شهید محمد منتظری، در این‌باره معتقد است:

«شهید محمد منتظری بسیار کم‌حرف بود و هیچ وقت با کسی درباره برنامه‌هایی که داشت، حرف نمی‌زد. فوق‌العاده با پشتکار، فعال و البته کم‌خواب و خوراک اسلام و اتحاد بین مسلمانان علیه امرپالیسیم بود، از همه چیز خود گذشت. این فرد برای خودش، هیچ چیز نمی‌خواست. او نه به دنبال پول، قدرت و منصب بود و نه چیزهایی که برای دیگران جاذبه داشت. او واقعا به محرومان می‌اندیشید و برای بهبود وضعیت آنها تلاش می‌کرد. نگاهی انترناسیونالیستی داشت و معتقد بود برای مبارزه با امرپالیسیم، باید همه مردم مستضعف و اعتلای مسلمین بود. به همین دلیل هم برای پیشبرد اهداف نهضت‌های آزادیبخش، هم کاری که از دستش برمی‌آمد، انجام می‌داد. موقعی هم که از دنیا رفت، هیچ چیزی از خودش باقی نگذاشت و مال و مکتبی نداشت. جز به خدا و خلق خدا فکر نمی‌کرد و خواب، خوراک و استراحتش را فدای کار کرده بود. بسیار فروتن بود و هیچ‌وقت نمی‌خواست خودش را مطرح کند یا پست و مقامی بگیرد. پام نامه او و نشریات خویش به تبیین این رویکرد می‌پرداخت و آن را نمادی از انسان‌گرایی اسلامی می‌دانست و دیگران را نیز به پیگیری آن فرودگاه به استقبال او رفته بودند و سعی می‌کردند با او عکس بگیرند و همراهش به مدرسه علوی بروند،



۱۳۵۷. نوبل روشا تو، شهید محمد منتظری در کنار امام خمینی

۹ جوان

چپ روی این مفهوم تکیه می‌کردند. در آبان سال ۱۳۵۷ در لندن، علیه رژیم پهلوی تظاهراتی از سوی روحانیون مبارز ایران صورت گرفت که در آن به انترناسیونالیسیم اسلامی اشاره شده بود. شهید محمد منتظری وقتی به ایران برگشت، بار دیگر این ایده را مطرح کرد. همانطور که اشاره کردم، همیشه می‌گفت ما به عنوان ملتی مسلمان، مسئولیت داریم که به همه دنیا کمک کنیم فقط نمی‌توانیم به فکر خودمان باشیم. تا به حال سعی کرده‌اند تحت عنوان ناسیونالیسیم ایرانی و افغانی و پاکستانی و عربی ما را از هم جدا کنند، در حالی که طبق نص صریح قرآن، إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، همه ما باهم برادریم. شهید محمد منتظری به دلیل حضور در کشورهای مختلف اسلامی، با همه آنها آشنایی داشت و لذا خیلی خوب می‌توانست نیروشناسی کند. او به هر جایی که وارد می‌شد، خیلی سریع نیروهای بانگیزه و مستعد را شناسایی و با آنها از تباط برقرار می‌کرد و در واقع حلقه وصل بین نیروهای هر منطقه، با ملیت‌های مختلف می‌شد. نخستین ویژگی انترناسیونالیسیم اسلامی، انسانی و جهانی‌اندیشیدن است، بدین معنا که محرومان جهان یا برادر دینی ما یا چون ما انسان هستند (نص فرمان‌امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر)، شهید محمد منتظری هدف انترناسیونالیسیم اسلامی را نجات انسان از استبداد، استعمار، استعمار و سلطه‌جویی و برپایی جامعه‌ای آباد و آزاد برای همه انسان‌ها می‌دانست. به همین دلیل هم همیشه می‌گفت درست است که انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست، اما تنها متعلق به ایران نیست، بلکه به تمام کشورهای اسلامی تعلق دارد. او معتقد بود که باید روی استعداها و سرمایه‌های بین‌المللی حساب و از آنها برای پیشبرد انقلاب استفاده کنیم. مایاد برادران دینی خود را در دیگر کشورها، بدون توجه به قومیت‌ها و جغرافیاهای گوناگون آنها شناسایی کنیم و در کنار برادران مسلمان و ایرانی قرار دهیم. ما باید در وهله اول، توده‌های مرحوم را در سراسر جهان، آگاه و سپس از آنها حمایت مادی و معنوی کنیم...»

■ **او پایه‌گذار حرکت اسلامی افغانستان بود**

آیت‌الله محمدرضانصری نماینده کنونی ولی‌فقیه در استان یزد، از یاران امام خمینی در دوران تبعید به عراق به شمار می‌رود. وی را با شهید محمد منتظری دوستی‌ای صمیمی بود و هم از این روی، بسیاری از رویکردها و برنامه‌های انقلابی وی اطلاع داشت. او رابطه شهید منتظری با امام خمینی را نزدیک از زبانی می‌کند و معتقد است که رهبر کبیر انقلاب، در برخی مأموریت‌های خاص را به محمد وامی نهاد که ما از محتوای آن اطلاعی نمی‌یافتیم:

«شهید محمد منتظری به هندوستان، افغانستان، لبنان، سوریه و... زیاد سفر می‌کرد. همه را هم با گذرنامه‌های جعلی که خود و دوستانش درست می‌کردند، می‌رفت. با طلبه‌های شیعه افغانستان، جلسه می‌گذاشت و با آنها حرف می‌زد. شاید به نوعی بتوانان او را پایه‌گذار حرکت اسلامی در افغانستان دانست. در واقع او با فعالیت‌هایش جرقه حرکت اسلامی را در افغانستان زد، چون همان‌هایی که او تربیت کرده بود، بعدها به افغانستان رفتند و در آنجا به مبارزه پرداختند. اگر یادتان باشد در زمان ظاهرشاه در افغانستان، حرکت‌هایی شروع شد که متأسفانه به سامان نرسید و رژیم آنجا کمونیستی شد. شهید منتظری خودش هم زیاد به افغانستان می‌رفت. در نوبل روشا تو هم جزو اولین افرادی بود که خدمت حضرت امام رفت و در فعالیت‌هایی مثل ضبط مطالب و سخنرانی برای افرادی که پرسش‌هایی داشتند، شرکت کرد. در آنجا هر وقت که ضرورت ایجاد می‌کرد، با لیباس روحانیت رفت و آمد می‌کرد، ولی در فعالیت‌هایی که نباید شناسایی می‌شد، لیباس میدل به تن می‌کرد! گذرنامه‌های متعددی داشت و با اسامی مختلفی مثل مسیحی، رفت و آمد می‌کرد. بسیار فعال بود و با مبارزان در ایران، ارتباطات گسترده‌ای داشت. همچنین با مبارزان در کشورهای دیگر مرتبط بود. از نظر روابط عمومی، بسیار قوی و امکان‌سیار خوبی برای انقلاب بود. پس از پیروزی انقلاب هم در زمینه نهضت‌های آزادیبخش، با افراد مختلفی از کشورهای اسلامی ارتباط داشت و بحث و گفتگو می‌کرد. شهید منتظری معمولاً، اخبار ایران و گزارش کارها و فعالیت‌هایش را به حضرت امام می‌داد. امام هم می‌فرمودند، در چه زمینه‌هایی چه کارهایی با هدف می‌تواند. گاهی از امام اعلامیه‌ها و نامه‌هایی را برای جوانان انجمن‌های اسلامی خارج از کشور می‌گرفت و رابط بین امام و آنان بود. گاهی هم عده‌ای از آنها را نزد امام می‌برد. شهید منتظری معمولاً در جلسات عمومی مربوط به تشکل روحانیون مبارز خارج از کشور حضور داشت و گزارش‌هایی را ارائه می‌کرد. وقتی هم نزد امام می‌رفت، گزارش آن جلسات را به امام هم می‌داد. البته حضرت امام دستورات خاصی را هم به او می‌دادند که ما از محتوای آنها اطلاع نداشتیم یا در بعضی از موارد توصیه می‌کردند که بعضی از فعالیت‌ها به شکل دیگری بر گزار شوند. مثلاً پادم هست موقعی که قرار بود در پاریس تحصن شود و همه ما تصمیم گرفته بودیم تا برویم، امام به شهید منتظری فرمودند آمدن بعضی‌ها صلاح نیست! امام پیش‌بینی کرده بودند، ممکن است این افراد دستگیر شوند که درست هم فکر کرده بودند. البته شهید منتظری از اینکه امام اجازه ندادند عده‌ای دنبال او بروند، ناراحت هم شد، اما امام محکم روی حرفشان ایستادند و اجازه ندادند عده‌ای با او بروند. بعد هم معلوم شد، پیش‌بینی امام درست بوده است و اصلاً صلاح نبود ما چند نفر برویم، چون این احتمال وجود داشت پلیس فرانسه ما را دستگیر کند و تحویل رژیم شاه بدهد...»